

مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۸۹،
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۸۲-۷۳

واژه به مثابه ابزار تحلیل گفتمان قرآن*

دکتر سیدحسین سیدی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

Email: hosein_seyyedi@um.ac.ir

دکتر غلامرضا رئیسیان

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: raesian42@um.ac.ir

چکیده

قرآن پژوهان و مفسران مسلمان همگی در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأویل یا تفسیر کتاب خداوند باید از واژگان آغاز گردد. واژه نه تنها ابزار تحلیل گفتمان بلکه شکل دهنده نظام اندیشگانی ما نیز است. پس واژه تنها ابزاری برای بیان عقاید ما نیست بلکه به آن‌ها نیز شکل می‌دهد. واژه در قرآن کریم از چنان استواری برخوردار است که به تنهایی می‌تواند ابزار تحلیل گفتمان قرار گیرد. این نوشتار با بررسی واژگان کلیدی چون «الله»، «ایمان» و بررسی گزینش نام در سوره‌های قرآن مثل سوره «دخان» بر آن است که نشان دهد تنها از طریق این واژگان می‌توان متن قرآنی یا متن سوره را تحلیل نمود.

کلید واژه‌ها: قرآن، واژه، گفتمان.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۷/۸؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۱۰/۲۰.

در آمد

از تمام تعاریف و شرح و بسط‌هایی که از گفتمان صورت گرفته است و دیدگاه‌هایی که گفتمان را در حوزه سیاست، قدرت، جامعه‌شناسی، گفتمان انتقادی و زبان‌شناسی و ادبیات به کار برده‌اند. آنچه در همه این‌ها مشترک است اینکه گفتمان چه در صورت شفاهی و چه کتبی (گفتار و متن) بر واحدهایی استوار است و بنیاد آن یعنی گفتار و متن می‌تواند جمله باشد. چنان که «امیل بنونیست» زبان‌شناس معروف گفتمان را در مقابل «نظام زبان» قرار می‌دهد و می‌گوید: «جمله، این مخلوق تعریف نشده دارای تنوعات بی‌پایان، همان گفتار انسان است که در حین عمل حیات می‌یابد» (میلز، ۱۱). به همین روی تحلیل گفتمان در چارچوب زبان-شناسی عمومی و کاربردی آن است که چگونه جملات در زبان گفتاری و نوشتاری واحدهای معنادار گسترده‌ای نظیر بندها، مقالات، مصاحبه‌ها را تشکیل می‌دهند. بنابراین تحلیل گفتمانی در نهایت به موارد زیر مربوط می‌گردد:

۱- گزینش حروف تعریف، ضمایر و زمان‌ها چگونه بر ساختار گفتمان تأثیر می‌گذارد.

۲- رابطه بین پاره گفته‌ها در یک گفتمان.

۳- حرکت‌های ایجاد شده از سوی گوینده برای معرفی و ارائه عنوانی جدید و تغییر عنوان (نوذری، ۱۹).

این از یک سو و از سوی دیگر می‌دانیم که ذات زبان پدیدارگری است. زبان «جهان» را در تمامی کلیت و جزئیتش برای ما گزارش می‌کند. زبان پدیدار می‌کند که چیزها چیستند و چگونه‌اند و نسبت‌ها و جایگاهشان چیست. علم، عقل، اخلاق، فرهنگ، هنر، جامعه همه زاده زبانند و زبان است که نه تنها آنچه را به حس ظاهر در می‌یابیم می‌نامد و در دایره هستی می‌نهد و «وجود» و «ماهیت» آن‌ها را پدیدار می‌کند؛ بلکه آنچه را که بر حس ظاهر پدیدار شدنی نیست، پدیدار می‌کند» (آشوری، ۱۱-۱۳). به همین روی زبان‌شناسان انتقادی برآن‌اند تا تحلیلی از متن پدید آورند و نشان دهند که «از دل گزینه‌های زبان‌شناختی در مقیاس کوچک، پیام‌های ویژه‌ای برای کل متن پدید می‌آید.» (میلز، ۱۸۷). در این رویکرد گزینش واژگان، فعل معلوم، فعل مجهول و... هر یک می‌توانند کلیدهایی برای فهم و تحلیل گفتمان باشند. خلاصه آنکه تمام رویکردهای موجود در تحلیل گفتمان به زبان نگاه مشابهی دارند. به عبارت دیگر «نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پس‌ساختارگرا است، یعنی اینکه دسترسی ما به واقعیت همواره از طریق زبان است.» (یورگنسن و فیلیپس، ۲۹).

قرآن کریم را می‌توان هم به مثابه گفتمان و هم متن بررسی کرد. در تحلیل گفتمانی می‌توان به پاره گفتارها، ترکیب‌ها و واژگان در متن پرداخت. البته این پاره گفتارها، ترکیب‌ها و واژگان را باید در آن شبکه معنایی پیچیده و منسجم و سامان یافته متن قرآنی جست و جو کرد. لذا قبل از پرداختن به اصل بحث باید یادآور شد که این نوشتار با توجه به مسئله تحلیل گفتمان^۱ به جایگاه واژه در تحلیل گفتمان پرداخته است.

پیشینه پژوهش

در سنت تفسیری مسلمانان، مفسران همگی بر این اصل اتفاق نظر دارند که هرگونه تأویل یا تفسیر اساساً باید از واژه آغاز گردد. مفسران و قرآن‌پژوهان مسلمان از همان آغاز توجه به معنا در قرآن، عنایت ویژه‌ای به واژه و نقش تعیین کننده آن در افاده معنا در بافت کلی متن قرآن نموده‌اند. از جمله می‌توان به آثاری چون «غریب القرآن» «معانی القرآن»، «مجاز القرآن» و «الوجوه و النظائر» اشاره کرد. در دوران جدید و در حوزه بررسی زبان شناختی می‌توان به تلاش قرآن‌پژوهان زیر اشاره کرد که تکیه اصلی آن‌ها در یافتن معنا در متن قرآن بر واژه استوار بوده است. از جمله قرآن پژوه ژاپنی «توشیهیکو ایزوتسو» در دو اثر ارزشمند «خدا و انسان در قرآن» و «ساختمان معنایی مفاهیم دینی - اخلاقی در قرآن»؛ دیگر محمد ارکون در کتاب «القرآن: من التفسیر الموروث الی الخطاب الدینی» که به بررسی زبان شناختی دو سوره فاتحه و کهف پرداخته است و یا محمد شحرور در کتاب «الکتاب و القرآن: قراءة معاصرة»؛ همچنین محمد مفتاح در کتاب «دینامیه النص، تنظیر و انجاز».

چه در گذشته و چه در دوران جدید پژوهش‌های قرآنی عموماً به بررسی واژه و تحلیل آن تکیه کرده‌اند. علت این گرایش را می‌توان در این نکته یافت که قرآن کریم، منظومه فکری و اندیشگانی است که دربردارنده مفاهیم اعتقادی، اخلاقی، سیاسی و... است و این منظومه فکری بر مجموعه مفاهیمی مبتنی است که این مفاهیم به نوبه خود بر اصطلاحاتی تکیه دارد و این اصطلاحات غالباً به صورت واژه هستند. از طرفی تغییر در معنا و مفهوم این واژگان موجب تغییر در معنای آن منظومه فکری نیز می‌گردد. در استراتژی‌های خوانش متن از دو استراتژی اساسی سخن می‌رود: ۱- استراتژی افزایشی ۲- استراتژی کاهش. در استراتژی نخست حرکت از جزئی به کلی یا از خاص به عام است یعنی از حرف به سوی کلمه و واژه

^۱ . Discourse analysi

تا جمله و از جمله به متن. اما در حالت دوم از عام آغاز و به سوی خاص و از کلی به سوی جزئی پایین می‌آید (مفتاح، المفاهیم معالم، ۲۳۳). آنچه که این نوشتار بر آن است، استراتژی نوع نخست است. بدین معنا که در این رویکرد واژه به مثابه ابزار تحلیل گفتمان بررسی می‌شود. البته نگارنده از این نکته غافل نیست که آنچه دلالت واژه را تعیین می‌نماید، بافت (جزئی و کلی) است. اما واژگان در قرآن کریم از موقعیتی برخوردارند که خود می‌توانند ابزار تحلیل گفتمان واقع شوند.

واژه ابزار تحلیل گفتمان

در بررسی فقه اللغوی متون که به قصد مقایسه واژگان قاموس و تغییر و تحولات واژگان در خانواده زبانی بررسی می‌شوند «هدف باز سازی تاریخچه زبان‌ها است و از طریق این تاریخچه، ارتباط زبانی آن‌ها تعیین می‌شود» (پالمر، ۳۲). در این روش که فقه اللغة تطبیقی^۱ نام دارد و تغییرات تاریخی معنا مورد بررسی قرار می‌گیرد. آنچه در این حوزه مهم است اینکه واژه دارای معناست و به واسطه قانون در زمانی^۲ دچار تغییر می‌شود. سخن در باب معناداری واژه میان زبان‌شناسان، معناشناسان و فلاسفه زبان بسیار است. به عبارت دیگر تعیین معنا از مباحث عمده آن‌ها بوده است. در این میان می‌توان از «فرکه» فیلسوف زبان یاد کرد که دو عامل را در تعیین معنا دخیل می‌دانست. «از نظر وی معنای تک تک واژه‌های یک جمله (معنا شناسی واژگانی) و ساختار دستوری کلمات عامل ایجاد معنا می‌باشند» (نصری، ۴۳). در ضمن در حوزه بررسی فقه اللغة‌ای واژگان قرآن همچون دیگر متون نباید از مسئله معنای اصلی^۳ و معنای ضمنی^۴ غفلت نمود (به این مسئله خواهیم پرداخت).

واژه نه تنها ابزار تحلیل گفتمان، بلکه شکل دهنده نظام اندیشگانی ما نیز است. زبان‌شناسان برآنند که جهان‌بینی ما تحت تأثیر زبان ماست و «زبان تنها وسیله ای برای بیان عقاید نیست بلکه «شکل دهنده عقاید» است؛ بدین ترتیب ما جهان را آن چنان درک می‌کنیم که زبان برای ما ترسیم می‌کند» (پالمر، ۱۰۰). زبان، مدخلی است برای جهان بینی و جهان‌نگری آدمی. چنان که «ویگوتسکی» می‌گفت: «تفکر بشر نه فقط در قالب زبان، بلکه از طریق

^۱ comparative philology

^۲ synchronic

^۳ basic

^۴ connotation

زبان صورت می‌پذیرد و اصلاً تفکر، خود، نجوای درون است». (ویگوتسکی، ۱۹۰) «واژه» در قرآن کریم تنها یک دال نیست؛ بلکه خود ابزاری برای تحلیل گفتمان قرآن و شکل دهنده جهان بینی آن است. اهمیت واژه در قرآن و گفتمان قرآن مهم‌ترین جایگاه را دارد. این مسئله نه تنها در گزینش بی‌بدیل آن مطرح است بلکه در تولید معنایی که آن معنا در کلیت گفتمان قرآن نقش مهم ایفا می‌نماید نیز مهم است. به همین جهت بوده است که قرآن‌پژوهان به بررسی واژگان در قرآن برای دستیابی به معنا عنایت ویژه‌ای داشته‌اند. قرآن‌پژوهان و مفسران مسلمان در این نکته اجماع داشته‌اند که هرگونه تأویل یا تفسیر کتاب خداوند باید از واژگان آغاز گردد. «می‌گفتند: آنچه در آغاز بر مفسر لازم است آن را در نظر داشته باشد، واژه شناسی است؛ چون کسب معانی واژگان قرآن برای آن کس که در پی معنای آن است از نخستین گنجینه‌های معناست» (زرکشی، ۳۱۳/۲). از معاصران هم «امین الخولی» در رویکرد بیانی که به تفسیر داشته است، بررسی واژگان را از مسائل مهم و جدی آن به حساب می‌آورد و می‌گوید: «بررسی و پژوهش در قرآن، از بررسی واژگان آن آغاز می‌گردد» (۲۳۷).

چنان که گفته شد، واژه دارای دو معنای اصلی و ضمنی است. اما اگر بخواهیم در بررسی معنا در گفتمان قرآن به واژه تکیه نماییم، باید به معنای ضمنی یا کاربردی واژه، در کلیت گفتمان قرآن توجه نماییم. به عبارت دیگر پس از بررسی ساخت قاموسی واژه باید به حوزه کاربردی آن در قرآن دقت نماییم و با یافتن حوزه‌های معنایی آن در قرآن به تحلیل گفتمان قرآنی بپردازیم. منظور از معنای اصلی همان «قدر مشترک معناست که به فهم تقریبی منجر می‌شود و یا همان قدر مشترکی از معنا که در فرهنگ لغت یافت می‌شود» (انیس، ۱۰۶).

اما واژه تنها این معنا را ندارد بلکه در نظام معنایی و دستگاه معنایی دیگری می‌یابد که به آن معنای ضمنی یا نسبی یا معنای کاربردی گویند. معنای ضمنی «همان سایه‌های معناست که بسته به تجربه و حالات افراد و ویژگی‌های روانی و اخلاقی آن‌ها به وجود می‌آید» (همان). البته این دو معنا کاملاً از هم جدا نیستند، بلکه تلازمی بین آن‌ها برقرار است. به عبارت دیگر روابط و نسبت‌ها و پیوندهایی که میان معنای نخست یعنی معنای اصلی و معنای ضمنی وجود دارد، موجب می‌شود تا در ساخت معنای نخست تأثیر بگذارند و حتی آن را تغییر دهند. «پس معنای اصلی کلمه چیزی ذاتی و درونی خود کلمه است که با آن کلمه به هر جا برود انتقال پیدا می‌کند و معنای نسبی چیزی است که دلالت ضمنی دارد و در اثر به وجود آمدن وضع خاصی برای آن کلمه در زمینه‌ای خاص، به معنای اصلی افزوده می‌شود» (ایزوتسو،

خدا و انسان در قرآن، ۱۵).

آخرین نکته درباره اهمیت واژه در تعیین و تبیین معنا این است که در فرایند گفتار برخی عناصر زبانی به کار می‌رود که آن‌ها را مؤلفه‌های گفتمان می‌گویند. در این شیوه هم به تحلیل ادوات از جمله ادوات تعریف، تنکیر و ضمائر و هم نظام فعلی، نظام اسمی، ساخت‌های نحوی و بالاخره ریتم و نظم در کلام توجه می‌شود. منظور از مؤلفه‌های گفتمان همان «حروف، واژگان، فعل‌ها، اسم‌ها و ساخت‌های صرفی و نحوی است. تمام این‌ها در شکل‌گیری گفتمان دخالت دارند. تمام این‌ها در قرآن به شیوه‌ای خاص به کار گرفته شده است که به قصد دستیابی به بهترین ساخت متن و ارسال معنا به خواننده یا شنونده و تأثیر گذاری بر اوست» (ارکون، ۱۲۵).

تحلیل نمونه‌ها

اینک برای اثبات ادعای فوق مبنی بر اینکه واژه ابزار تحلیل گفتمان است نمونه‌هایی در قرآن را تحلیل می‌کنیم که صرف نظر از تأثیر بافت و معانی ثانویه یا معانی مجازی و کنایی، خود ابزاری برای تحلیل گفتمان است. آنچه که در سنت تفسیری و قرآن پژوهی از آن به وجوه و نظایر یاد می‌شود، دانشی است که بر واژگان تکیه دارد و می‌کوشد تا روابط بین گونه‌های مختلف این واژگان را کشف نماید. یا آنچه که تحت عنوان «غریب القرآن» طرح می‌شده است، کشف رابطه بین واژگان پراکنده قرآن بوده است. این پژوهش‌ها مابعدا تحول می‌یابد و نزد قرآن‌پژوهان «اصطلاح قرآنی» (حلی) و «کلمات کلیدی» (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن) نام می‌گیرد. این واژگان کلیدی با کلیت متن ارتباط شبکه‌ای دارند که با کشف معنای این واژگان می‌توان به جهان بینی قرآن پی برد. همان چیزی که در معناشناسی به آن شبکه معنایی گفته می‌شود. (همان). در این روش، گفتمان قرآن همان مجموعه گفتمان واژگان است و برای تحلیل گفتمان می‌توان دو الگو در نظر گرفت که هر دو بر شکل‌گیری گفتمان‌های جزئی واژگان مبتنی است: ۱- گفتمان واژه که در این الگو، واژگان، مرکز گفتمان قرار می‌گیرند و از طریق کشف روابط مفهومی با کلیت متن قرآن می‌توان به آن رسید. در این الگو باید به دو نکته توجه داشت: «نخست اینکه واژه دلالت تجریدی داشته باشد؛ دوم اینکه در متن قرآن بارها به کار رفته باشد» (الحاج، ۱۹۷). ۲- الگوی دوم، گفتمان حوزه معنایی است. این الگو توسط ایزوتسو در کتاب «خدا و انسان در قرآن» به کار گرفته شده است. ایزوتسو به

واژه «الهه» در گفتمان قرآن اشاره می‌کند. واژگانی در قرآن وجود دارند که نقش واقعاً قطعی در ساختن جهان بینی تصویری قرآن دارند که به نام کلمات یا اصطلاحات کلیدی قرآن می‌نامیم» (۲۲). از جمله این واژگان «الهه، اسلام، ایمان، کافر، نبی، رسول...» است. از نظر او کلمه «الهه» عالی‌ترین کلمه کانونی در واژگان قرآنی است که بر سراسر قلمرو آن فرمانروایی می‌کند و این چیزی جز سیمای معنا شناختی حقیقتی نیست که معمولاً با گفتن اینکه جهان قرآن اصولاً خدا مرکزی است» (همان، ۳۲). از نظر ایزوتسو روابط بین واژگان قرآنی در چارچوب نظام کلی مفهومی قرآن موجب می‌شود تا نگرش کلی قرآن کشف شود. از جمله واژگانی که او در این نظام کلی مفهومی در قرآن برای نمونه ذکر می‌کند واژه «ایمان» و «کفر» است که ایمان با واژگانی چون «اسلام، شکر، تصدیق، الله، تکذیب، عصیان، کفر» مرتبط است و یا واژه کفر با «الله، فسق، ضلال، ظلم، استکبار، شرک، عصیان و تکذیب» ارتباط دارد.

عنوان سوره مدخلی بر تحلیل گفتمان

عنوان سوره‌های قرآن عموماً از یک واژه ساخته شده‌اند - جز سوره آل عمران که در دو کلمه ترکیب شده است و یا سوره «ق» که یک حرف است- و این عناوین از گذشته مورد عنایت قرآن‌پژوهان قرار گرفته بود. از گذشتگان می‌توان به برهان الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر در کتاب «نظم الدرر فی تناسب الآی و السور» و بدر الدین زرکش در کتاب «البرهان» اشاره کرد. این مطلب در نقد جدید نیز مطرح است که با نام «عنوان» یا «آستانه متن» از آن بحث می‌شود. «ژرار ژنت» (۱۹۳۰) ناقد ساختارگرا در کتاب «الواح باز نوشتنی» و رساله «در آمدی به فزون متن» به مناسبات و عواملی اشاره می‌کند که در پذیرش و دریافت معنای متن نقش دارند. وی این عوامل و مناسبات را مناسبات «تعالی دهنده متن» می‌نامد. یعنی این مناسبات دلالت معنایی متن را آشکار می‌کنند و بیش از این موجب تعالی معنایی آن هم می‌شوند. این مناسبات عبارتند از: ۱- بینامتنی ۲- پیرامتنی ۳- فرامتنی ۴- فزون متنی ۵- رابطه متنی متأخر (پیش متن) با متنی متقدم (پس متن) (احمدی، ۳۲۰-۳۲۱).

منظور ژنت از مناسبات پیرامتنی آن است که طرح روی جلد، حروف، صفحه عنوان، نام نویسنده، نام مستعار نویسنده، عنوان متن، صفحه تقدیم نامه، گزین گویه‌هایی که همچون سرلوحه کتاب می‌آیند، پیشگفتار، مقدمه‌ها، پس‌گفتارها، عناوین فصول عناوین فرعی فهرستها، نمایه‌ها، یادداشت‌ها همه در پذیرش متن از سوی خواننده (یا در معنا گرفتن متن) تأثیر دارند

(همان، ۳۲۳).

مسئله پیرامنی را که ژنت مطرح کرده است می‌توان در گزینش نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص) یعنی قرآن و نام سوره‌ها نیز مطرح نمود. لذا نام سوره‌ها می‌تواند حوزه‌ای برای تأویل متن آن باشد. اگر این را هم بپذیریم که بنیاد زبان بر اسم استوار است (آشوری، ۱۵) و بدانیم که «اسم» کوتاه شده متن است و اسم هر چیزی مناسبت بین آن و مسمای آن را آشکار می‌نماید و عنوان اجمالی است از تفصیل مطالب متنی» (بقاعی، ۱۸)، می‌توان نتیجه گرفت که عنوان هر سوره بیانگر مقصود و مراد آن است (همان). یا به این نظر قائل باشیم که رابطه عنوان با متن، رابطه تمرکز معنایی و رمزی است و عنوان، اهمیت مطالب متن را می‌رساند، می‌توان گفت عنوان سوره‌ها به نوعی بیانگر مطالب سوره است. از طرفی گزینش واژگانی خاص در نامگذاری سوره‌ها بنا به عادت عرب بوده است که «در بسیاری از نامگذاری‌ها، نام‌ها را از امور نادر و شگفت انتخاب می‌کرد. گاه نام برگرفته از صفتی خاص بود و گاه از یک جمله یا قصیده. این چنین است که نام‌های سوره‌های قرآن کریم مثل سوره بقره است چون ماجرای گاو بنی اسرائیل در آن آمده است» (زرکشی، ۳۶۸/۱).

از نمونه‌های معنادار می‌توان به سوره «دخان» اشاره کرد. واژه «دخان» تنها یک بار در آیه (فارتقب یوم تاتی السماء بدخان مبین) (دخان/۱۰) آمده است. این آیه در آیات آغازین سوره آمده است و سوره درباره نزول قرآن در شبی مبارک که حکیمانه نازل شده است، و در آن از عذاب دردناک خبر می‌دهد که آسمان در آن روز به صورت دودی آشکار در می‌آید. از مطالب این سوره از تاریخ اقدام گذشته و فرجام کار آنان سخن رفته است و از حقیقت بزرگی سخن می‌گوید که آفرینش آسمان‌ها و زمین، بیهوده نیست: (و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعین) (دخان/۳۸). آیه پایانی سوره چنین است: (فارتقب إنهم مرتقبون) (دخان/۵۹) که همان تهدید بیمناک است که در این جا همان چشم دوختن به دود شدن آسمان است. چنان که ملاحظه می‌شود، نام سوره که رمز روز آخرت و حسابرسی و عذاب است، مرکزیت گفتمان سوره است» (الحاج، ۲۱۵). نکته تأمل برانگیز اینکه واژه «دخان» فقط در دو آیه آمده است: یکی در سوره دخان که بحث آن گذشت و دیگری در سوره «فصلت» در آیه: (ثم استوی إلى السماء و هی دخان فقال لها و للأرض ائتیا طوعا أو کرها قالتا أتینا طائعين) (فصلت/۱۱). کلمه «دخان» در این جا به آغاز آفرینش اشاره دارد. این واژه در سوره «فصلت» نیز با معنای سوره ارتباط دارد. تفصیل در اینجا یعنی تعیین و تمیز و توضیح. به عبارت دیگر

اشاره دارد به اینکه جهان در آغاز به صورت گاز بوده است (دخان) و سپس به مرحله روشن و آشکار رسیده است (تفصیل). این مرحله، مرحله پس از دود است. لذا سوره فصلت که از آفرینش (انتقال از حال گازی به آسمان و زمین) (فصلت/۱۱-۱۲)، تفصیل کتاب (قرآن-تنزیل) با تفصیل آسمان و زمین همگنی دارد. چون تفصیل آفرینش پس از تفصیل کتاب آمده است: (تنزیل من الرحمن الرحیم، کتاب فصلت آیات قرآنا عربيا لقوم يعلمون) (فصلت/۲-۳). جالب است که این سوره در بخش پایانی به موضوع تفصیل می‌پردازد که در آغاز سوره از آن سخن گفته است: (و لو جعلناه قرآنا أعجميا لقالوا لولا فصلت آیاتہ أَعْجَمِي و عربی قل هو للذین آمنوا هدی و شفاء...) (فصلت/۴۴)

سخن پایانی اینکه واژه در قرآن نقش کلیدی را ایفا می‌کند که می‌تواند به تنهایی بیانگر جهان بینی و جهان نگری صاحب متن باشد. لذا گزینش واژه در قرآن کریم چنان استوار است که می‌تواند به تنهایی ابزار تحلیل گفتمان باشد. علاوه بر این می‌تواند بیانگر آن باشد که متن قرآن در حوزه واژگان نیز اعجاز واژگانی دارد. این اعجاز را این بار در گزینش واژه به عنوان ابزار تحلیل گفتمان می‌توان یاد کرد.

منابع

- آشوری، داریوش، شعر و اندیشه، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۷۳.
- احمدی، بابک، ساختار و تأویل متن، چاپ پنجم، نشر مرکز، ۱۳۸۵.
- ارکون، محمد، القرآن، من التفسیر الموروث الی تحلیل الخطاب الدینی، ترجمه هاشم صالح، چاپ اول، دار الطلیعة الطباعة و النشر، بیروت، ۲۰۰۱.
- انیس، ابراهیم، دلالة الالفاظ، مكتبة الانجلو المصرية، قاهرة، ۱۹۸۰.
- ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.
- ایزوتسو، توشیهیکو، ساختمان معنایی مفاهیم دینی اخلاقی در قرآن، ترجمه فریدون بدره ای، چاپ اول، انتشارات فرزانه، ۱۳۷۸.
- البقاعی، بدر الدین ابوالحسن ابراهیم بن عمر، نظم الدرر فی تناسب الآی و السور، دار الکتب الاسلامی، قاهره، بی تا.
- پالمر، فرانک، نگاهی تازه به معناشناسی، ترجمه کوروش صفوی، چاپ اول، نشر مرکز، ۱۳۶۶.
- الحاج، عبدالرحمن، المناهج الحدیثیة فی الدرس القرآنی، الطبعة الاولى، مدارک، بیروت، ۲۰۱۱.

- حللی، عبدالرحمن، «المفاهیم و المصطلحات القرآنیة، مقاربة منهجية»، مجلة اسلامية المعرفة، شماره ۳۵، ۲۰۰۴.
- الخولی، امین، مناهج تجدید، مجموعه آثار شماره ۱۱، الهيئة المصرية العامة للكتاب، قاهره، ۱۹۹۵.
- دایان مک دانل، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسین نودری، چاپ اول، فرهنگ گفتمان، ۱۳۸۸.
- زرکشی، بدرالدین، البحر المحيط فی اصول الفقه، تحقیق عبدالقادر العانی و عمر سلیمان الاشقر، وزارة الاوقاف، دار الصفوة، کویت، ۱۹۹۲.
- شحرور، محمد، الكتاب و القرآن: قراءة معاصرة، الطبعة الاولى، دار الأهلای، دمشق، ۱۹۹۰.
- مفتاح، محمد، المفاهیم معالم: نحو تأویل واقعی، الدار البيضاء، المركز الثقافی العربی، الطبعة الاولى، بیروت، ۱۹۹۹.
- مفتاح، محمد، دینامیة النص، تنظیر و انجاز، الطبعة الثانية، الدار البيضاء، المركز الثقافی العربی، بیروت، ۱۹۹۰.
- میلز، سارا، گفتمان، ترجمه فتاح محمدی، چاپ دوم، نشر هزاره سوم، ۱۳۸۸.
- نصری، عبدالله، راز متن، چاپ اول، مرکز مطالعات و انتشارات آفتاب توسعه، ۱۳۸۱.
- ویگوتسکی، لوسیمونوویچ، تفکر و زبان، ترجمه بهروز عزید فتری و بایرام صادقی، انتشارات نیما، ۱۳۶۷.
- یورگنسن، ماریان، فیلیس، لوئیز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، چاپ اول، نشر نی، تهران.